



مرکز نظارت و ارزیابی مدعی‌العموم رسانه ملی است

مراسم تکريم و معارفه رياست مرکز نظارت و ارزیابی رسانه ملی با حضور قائم‌مقام رئيس سازمان صدا و سيما برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی رسانه‌ملی، حجت‌الاسلام موسوی‌مقدم، قائم‌مقام رئيس رسانه ملی در این مراسم بیان این‌که مرکز نظارت و ارزیابی باید همیشه بدرخشد، گفت؛ این مرکز

داشتیم. در یکی از صحنه‌ها چشم دستیار فیلمبردار آسیب خورد و...، **سبط احمدی**؛ هر روز آمبولانس سر صحنه بود، چون تعداد سانحه‌ها کم نبود.

هژیرآزاد (با خنده در ادامه)؛ البته آمبول‌هایی که به من می‌زدند، خیلی خوب بود. سریع بلند می‌شدم و بلافاصله دیالوگ‌هايم را می‌گفتم. **رضا نصفي**، **بازيگر نقش برقي**؛ باید اعتراف کنیم که سختگیری که گروه تولید ايلدا داشتند کمتر در گروه‌های دیگر دیده می‌شود. به یاد دارم سربایی قبل از ما کار شده بود و چون روستایی با فضای سال ۵۹ پیدا نکرده بودند در شهرک ضبط کردند اما عوامل ايلدا سختی‌ها را به جان خرید تا بتواند يك کار خوب ارائه بدهد، همین موضوع تیربرق که مورد انتقاد قرار گرفت، چرا به این موضوع از این زاویه نگاه نمی‌کنید که گروه تلاشش را کرده و واقعا به جای گرفتن نماهای بسته، دوربین به طبیعت رفته و با وجود سختی‌ها سعی کرده نمای‌های باز اما دیدنی را ضبط کند. مگر کار کردن با يك گروه ۲۰۰ نفره هر روز آن هم در شرایط کرونا راحت است. به غیر از این ما با گرما و سرماهای سخت هم برخورد داشتیم و آوردن آب سرد در فصل گرماي ايلام بسیار کار سختی بود، چه برسد به دیگر مسائلی که بسیار هم کار را سخت می‌کرد.

قويدل؛ اگر می‌خواستیم در شهرک ضبط کنیم بسیاری از نماهای دوربین محدود می‌شد. به قول معروف تمام پلان‌هايمان بيخ دیواری می‌شد. آن وقت بود که همه اعتراض می‌کردند چرا هلی شات نگرفتیم و بیخ دیواری شده است!

زیرا هر جای تهران را ببینید همه جا بسته است و ما به واسطه نشان دادن طبیعت بکر غرب ایران می‌خواستیم تماشاگر نفس بکشد و چشمش را نوازش بدهیم. اگر شما فکر می‌کنید صحنه‌های هلی شات زیاد است، پس نشان می‌دهد کارمان را درست انجام دادیم و تاثیرگذار بوده، زیرا در هر قسمت از سریال تعداد لانگ شات‌ها به تعداد انگشتان دست نمی‌رسد.

هژیرآزاد؛ چه ایرادی دارد زیبایی‌های مناطق خودمان را درون قصه نشان بدهیم. د فیلم‌های وسترن آمریکایی هم زیبایی‌های طبیعت نشان داده می‌شود و شما نقد نمی‌کنید. اگر فیلمساز و هنرمند بتواند چنین فضاهایی را نشان بدهد باید مورد تشویق قرار بگیرد نه نقدا ضمن این‌که لرستان جزو آبخیزترین قسمت این مملکت است و فراوان آبشار دارد، بنابراین این را باید به فال نيك گرفت که کارگردان، این بخش از زیبایی‌های ایران را در ايلدا به تصویر کشیده است.

غلامرضا علی اکبری، **بازيگر نقش شيخ رحيم**؛ سختی این کار و نقدهایی که مطرح می‌شود را می‌توان به همدیگر ربط داد. در فیلمسازی برای تلویزیون تعریف کلی، درست یا غلط وجود داشته وارد که این مدیوم نماهای بسته‌تر می‌طلبد تا به ریتم کمک کند. نماهای بسته گاه برخی عیوب کار را می‌پوشاند. شما در برخی فیلم‌ها خارجی می‌بینی آنقدر کات‌های سریع می‌دهند که حتی مخاطب برای دنبال کردن صحنه گیج می‌شود و این به مخاطب اجازه دیدن عیوب را نمی‌دهد. پس برای نقد کردن صحیح چنین کاری، باید به کارگردان می‌گفتم شما نیاز به آنقدر زحمت و هزینه نداشتی چون در تعاریف هست که با چند نمای بسته می‌توانستی کارت را پیش ببری اما هلی‌شات و لانگ‌شات گرفتی. حالا عده‌ای آن نماهای زیبای سریال را رها کردند و آن را با آثار آپ‌رمانی مقایسه می‌کنند که این شیوه برخورد کمی بی‌انصافی است.

باتوجه به این‌که مرتب صحنه‌هایی از دشت و کوه در سریال می‌بینیم این احساس شکل می‌گیرد که شاید این سریال از تولیدات مراکز استان هاست و سفارش شده که مرتب چنین صحنه‌هایی در سریال باشد.

قويدل (با خنده)؛ جقدر هلی شات‌ها داستان به وجود آورده. آقا دیگه من هلی شات نمی‌گیرم!

سبط احمدی؛ نه. کار با همکاری مراکز استان‌ها نبوده است. در واقع هیچ گونه سازمانی، استانی، اداره، وزارتخانه‌ای و... در این سریال سهیم نبوده و کمک خاصی نکرد. فقط سیاه منطقه لرستان به ما محبت داشتند و مواقعی که لازم بود برایمان راه را باز می‌کردند و بقیه اداره‌ها هم در حد معمول حضور داشتند. زیرا ما يك گروه ۱۲۰ نفره را به جایی برده بودیم که برخی مناطق صعب العبور بوده و قبل از ضبط برخی صحنه ها، گروه تولید و تدارکات با لودر و بولدوزر جاده می‌زدند تا بتوانیم گروه و لوازم فیلمبرداری را سر صحنه ببریم. مسیرهایی را نمی‌شد با ماشین رفت و باید از اسب استفاده می‌کردیم. این صحنه‌های زیبا را که می‌بینید آقای قويدل گرفتند، واقعا سخت بود و چندین سانحه داشتیم، البته می‌توانستیم مثل برخی‌ها در شهرک کار کنیم و نماي دوربین بسته بود اما می‌خواستیم از فضای بکر منطقه غرب ایران استفاده کنیم.

قويدل؛ زمانی که من سریال رویای گنجشک‌ها را در شمال کار می‌کردم، مورد انتقاد قرار گرفتم که چرا زیبایی شمال را نشان ندادم. چون خودم اصالتا شمالی هستم این طور حسن نکرده بودم که بهتر است لانگ شات‌هایی از شمال را نشان بدهم، اما چون منطقه غرب ایران برای خودم هم بدیع بود در سریال ايلدا به تصویر کشیدم.

سبط احمدی؛ آبشاری که ما در سریال قرار است نشان بدهیم با سختی به تصویر کشیدیم، زیرا رفتن به این آبشار بسیار سخت بود و حتی گاهی به شوخی به راما قويدل می‌گفتم چرا ما يك لوکیشن راحت و بدون دردسر نداریم. **باتوجه به این‌که اصالتا شمالی هستید، آیا از قبل منطقه غرب ایران را می‌شناختید که کارگردانی این سریال را پذیرفتید؟**

قويدل؛ قبل از کلید خوردن به همراه تهیه‌کننده و طراح صحنه خیلی منطقه را گشتیم و به دنبال لوکیشن‌های بکر بودیم، ضمن این‌که تهیه‌کننده‌ای داشتیم که به خودش هم رحم نمی‌کرد (با خنده) و نسبت به کارش جدیت داشت. در فضاهای مختلفی که می‌گشتیم به دنبال روستایی بودیم که

سریال ايلدا قرار است دین‌مان را نسبت به عشایر مرزنشین در سال‌های دفاع مقدس ادا کند. به نظراتان شما به عنوان تهیه‌کننده در راس کار و گروه‌تان تا چه میزان این دین را ادا کردید؟

علیرضا سبط احمدی، **تهیه‌کننده**؛ سریال ايلدا برمیانی اتحاد، همدلی و ایثار مردم و عشایر مرزنشین غرب کشور ساخته شده و وابسته به هیچ قومیت و اقوام خاصی نیست. عشایران در سال‌های دفاع مقدس شجاعانه مقابل تجاوز دشمنان ایستادند و ما به این موضوع در سریال ايلدا پرداخت کردیم. ساخت این سریال دشواری‌های زیادی داشت و این‌طور نبود که راحت کاری را تولید کنیم. ما سریال‌هایی داریم که در تهران کار می‌شود و از شهرک دفاع مقدس برای لوکیشن استفاده می‌کنند، اما گروه سازنده ايلدا این سختی را به جان خرید تا کار شایسته‌ای روانه آتین کند. با همین محتوا، افشین صادقی و مسعود تکاور سربایی را کلید زدند، اما بعد از ۱۰ روز نتوانستند ادامه بدهند. ولی من به همراه آقای قويدل قبل از کلید خوردن سریال کلی فضای غرب ایران را گشتیم و لوکیشن‌ها را نباید آقايان از هر نقطه از کشور اعتراض کنند و خواستار قطع سریال باشند. این طور نگاه‌ها بدوی است و نسبت به هنر، بی‌انصافی.

قويدل؛ در تایید حرف آقای هژیرآزاد باید بگویم که ايلدا فقط قرار بوده يك سریال سرگرم‌کننده باشد و قرار نبوده مستندنگاری یا مستندسازی باشد. به همین دلیل قرار

نبوده نعل به نعل و واقعیت را به تصویر بکشیم، حتی در عنوان بندی هم می‌آید که ايلدا يك کار داستانی و در راستای

به تصویر کشیدن رشادت‌های مرزنشین‌های غرب کشور است. بنابراین طبیعی است مولفه‌های تاریخی و جغرافیایی

که وجود ندارد، نباید مورد استناد قرار بگیرد.

باتوجه به این‌که ايلدا صحنه‌های هلی شات از دشت و کوه رو به رو می‌شویم و این صحنه‌ها در قسه هم ادامه دارد. می‌خواستید به

این واسطه جاذبه‌های گردشگری از ایران را به تصویر بکشید؟

قويدل؛ گرچه صحنه‌های هلی شات را می‌بینید اما از قسه خارج نمی‌شویم. فیلمساز به واسطه فضاسازی در کارش

تلاش می‌کند جغرافیای منطقه‌ای که انتخاب کرده را به‌تصویر

بکشد و ما از کوه‌های عجیب و غریب و دشت‌های زیبا به‌عنوان مولفه‌های تصویر در راستای محتوای سریال

استفاده کردیم. وقتی از رشادت‌های يك منطقه حرف می‌زنیم، پس باید فرم در اختیار محتوا باشد و من هم طبیعت

زیبا و بکر منطقه و صلابت و ابهت کوه‌ها را نشان دادم.

باتوجه به این‌که از ابتدای کلید خوردن سریال ايلدا در خبرها اعلام شده بود که گروه در خرم‌آباد کار می‌کنند اما با شروع

سریال در کپشن، نام منطقه صفر مرزی خورده بود، مخاطب را سردرگم کرده بود که بالاخره جغرافیای این سریال کجاست؟

قويدل؛ يك سال و اندی در خبرها به خرم‌آباد اشاره شده بود اما برای این‌که مخاطب دچار

سردرگمی نشود، در کپشن ابتدایی سریال، جغرافیا را زده بودیم یا صحنه به صحنه

کپشن‌ها مشخص بود. من نمی‌دانم چرا هر آنچه می‌بینیم یا نمی‌بینیم، می‌خواهیم

ایراد بگیریم نه این‌که یاد بگیریم.

نگران مخاطبان نبودید که تعدد صحنه‌های هلی‌شات

برایش تکراری باشد؟

قويدل؛ تعددی نیست. اگر تعداد هلی‌شات‌ها را

بشمارید، متوجه می‌شوید که خیلی زیاد نیست،

فضاسازی بخشی از کار کارگردان است تا تماشاگر

را با خودش به فضایی که در کارش به تصویر می‌کشد، برود

و آن را همراه با قصه کند. من هم مستثنی از این ماجرا نیستم.

معتمد سریال‌های امروزی که در پایتخت کار می‌شود به دیوار و سیمان گیر می‌کند.

اصلی رسانه‌ها در جهان مراکز نظارت و ارزیابی آنها هستند. علیرضا شریفی، رئیس جدید مرکز نظارت و ارزیابی رسانه ملی هم در این مراسم گفت: خوشبختانه مرکز نظارت و ارزیابی رسانه ملی نقاط برجسته و خوبی در کارنامه خود دارد و ان‌شا... باید با کمک یکدیگر آجرهای تکمیلی این بنا را بچینیم.



گفت‌وگو با عوامل «ايلدا» درباره همه آنچه مخ

ايلدا عاشقانه است، ه

فاطمه عودباشی
نوشین مجلسی
رسانه

مگر می‌شود حرف از سال‌های دفاع مقدس زد و به یاد رشادت‌های عشایر مرزنشین نیفتاد، عشایری که شجاعانه مقابل دشمنان ایستادند. زندگی این عشایر دستمایه ساخت سریال تلویزیونی ايلدا شده که پخش آن از چندی پیش از شبکه يك سيما شروع شده است. البته تا به امروز عشایر دستمایه ساخت آثار نمایشی شده، اما گروه سازنده سریال ايلدا سعی کرده اند نگاه تازه‌ای به این ماجرا داشته باشند. به همین دلیل با بهره بردن از لوکیشن بکر

قويدل؛ زمانی که سریال تمام شد باید در این زمینه صحبت کنیم. من هر کاری از دستم بر می‌آمد برای پرداخت شخصیت‌های داستان انجام دادم.

آقای رازانی شما در این سریال نقش کریم را بازی می‌کنید که بسیار شیرین و طناز است. این از ابتدا در سرال برایتان نوشته شده بود یا این‌که خودتان به شخصیت کریم اضافه کردید؟

سینا رازانی، **بازيگر نقش کریم**؛ در يك سری از صحنه‌ها بله نوشته شده بود اما با مشورت با آقای قويدل سعی کردم کریم را متفاوت ترک کنیم. البته هدف این نبود که يك فرد بانمک را به اعضای گروه اضافه کنیم اما می‌خواستیم کریم شخصیت خاص خودش را داشته باشد و بعد در جای دیگر از قصه استفاده کنیم. کریم مقداری شوخی دارد، اما به سمت قهقهه مخاطب نمی‌رود. به همین دلیل سعی کردیم کریم تا حدودی دنیای شخصی خودش را داشته باشد. از سوی دیگر شخصیت کریم در جایی از سریال بزنگاه مهمی دارد که ابعاد دیگری از این شخصیت نمایان می‌شود. می‌توان در یک جمله گفت نقش کریم دارای یک منحنی رشد است و در قسمت‌هایی که در آینده پخش خواهد شد، مردم مشاهده می‌کنند که پیش از آن حادثه و پس از حادثه شخصیت کریم تفاوت زیادی پیدا کرده است. دلیل اصلی افزودن شیرینی به شخصیت طنزگونه کریم اتفاقی است که برای او می‌افتد که به تجربیات او در زندگی می‌افزاید. همه ما ممکن است يك اتفاق در زندگی مان بیفتد که يك ماه معادل ۱۰ سال برایمان بگذرد. کریم چنین اتفاقی برایش می‌افتد.

آقای رازانی شما در سریال دنگ و فنگ روزگار شخصیتی شبیه به کریم را بازی کردید که طنای‌های خودش را داشت. ناخودآگاه دیدن شما در نقش کریم و طنای‌هایش در سریال ايلدا این تصور را شکل می‌دهد که شاید به دنبال يك تیپ خاص در کارها پاتان است و به نوعی می‌خواهید امضای شما باشد؟

رازانی؛ در سریال دنگ و فنگ روزگار نقش من يك فرد سمج بود برای پول گرفتن و در آنجا به هر طریقی می‌خواست پول در بیاورد و در برخی موارد اعصاب خردکن و وقیح می‌شد. بهتر بگویم نقش من در آن سریال طوری بود که مهلت دلسوزی به مخاطب نمی‌داد، اما در نقش کریم مشاهده می‌کنید که با خانواده‌اش بسیار مهربان است یا از تیمم دفاع می‌کند. اما در عین حال در مقابل شیرعلی خان ترس زیادی دارد. در مجموع شخصیت کریم بسیار ساده است و دنیای پیچیده‌ای ندارد.